

(عالم اسلام)

# شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حقوق معلمین (۴)

تاریخ ۱۳۹۴ / ۱۲ / ۱۶



■ حق، امری دوطرفه است

■ برده‌داری مدرن

■ حقوق زیردستان

۱. رعایت عدالت

۲. بردباری در مقابل اشتباهات زیردستان

۳. گذشت از خطاهای آنان

۴. داشتن رابطه عاطفی با زیردستان

۵. داشتن احساس شکر

■ وظیفه سنگین مسئولان در نظام اسلامی

■ حق شاگرد بر معلم

۱. معلم باید دلسوز دانش‌آموز باشد

■ نکته‌ای درباره حق همسر

برده‌داری گزارش می‌شود که عمدتاً دست قدرت‌های زورگوی جهان در بین است و کسانی هستند که اساساً برای مردم حقی قائل نیستند.

فرق برده‌داری مدرن و جدید قبل این است که در روزگار قدیم، کسی که ملک و برده دیگری بود، این را درک می‌کرد که او ارباب است، این هم مملوک، رعیت، برده و غلام او است.

اما در برده‌داری جدید سبکی طراحی شده است که برده‌ها خود را آزاد می‌دانند و احساس آزادی می‌کنند؛ حال آنکه کاملاً برده هستند. بنابراین این مسئله در روزگار ما خیلی پیچیده‌تر است. مثلاً در جهان امروز مخصوصاً در هویت غربی آن، ممکن است جامعه زنان احساس آزادی داشته باشند؛ زیرا این‌طور به آنها القا شده است؛ در حالی که بدترین نوع برده‌داری درباره آنها اعمال می‌شود و اتفاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمده

### حق، امری دوطرفه است

حقوق افراد بر یکدیگر، متقابل است. اساساً طبع حق این‌طور است و جاده یک‌طرفه نیست؛ جز آنجا که پای حضرت حق در میان است. در بین مردمان و در گروه‌های مختلف، مثل یک جاده دوطرفه و رفت و برگشتی است.

### برده‌داری مدرن

در رساله حقوق، امام سجاد (ع) می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكِ بِالْمَلِكِ» که در زمانه ما مصداقی ندارد. البته باید بگوییم که متأسفانه با اینکه به لحاظ شکل و صورت جامعه تازه و مدرن شده و عصر برده‌داری گذشته است، گاهی در گوشه و کنار جهان نمونه‌های خیلی بدی از

می‌افتد. در دنیای جدید، کسی که برده است و کاملاً دارند او را می‌دوشند و تحت خدمت و طراحی دیگران است، احساس برده بودن را ندارد. اسلام عزیز با طراحی بسیار دقیق در روزگاری که برده‌داری یک رسم مستقر جاری در زندگی مردم بود، آن را ضابطه‌مند کرد، برای آن قاعده درست کرد و در جایی که اساساً حقی قائل نبودند، حق و حقوق در آن تعریف کرد. اسلام با تدابیر تربیتی و بسیار زیبایی، مسئله برده‌داری را به مرور از بین برد.

### حقوق زیردستان

به این بخش سخن امام (علیه السلام) رسیدیم که حقوق کسانی که تحت فرمان و برنامه‌ریزی تو قرار دارند و تو مدیر، کارگزار و پیشوای آنها محسوب می‌شوی، چیست؟ حضرت فرمودند: اول

اینکه بدانی: «فَأَنْ تَعْلَمَ» در همه موارد امام (علیه السلام) یک تصحیح نگاه دارند؛ چراکه اگر منظر شخص و زاویه دید فرد اصلاح شود، افکارش خیلی متفاوت می‌شود. در جمله‌های اول، امام (علیه السلام) زاویه دید را اصلاح می‌کنند. در هر محوری عبارت «فَأَنْ تَعْلَمَ؛ این را بدان»، آمده است. اینجا حضرت فرمودند: این را شما بدان. امام (علیه السلام) با چه کسی صحبت می‌کنند؟ با پیشوا، حاکم، استاندار، فرماندار، رئیس یک مجموعه، وزیر، وکیل و کسانی که افراد زیادی تحت مدیریت آنها است تا برسد به شخصیتی که شخص اول است و امام و پیشوا محسوب می‌شود. حضرت فرمودند: اول اینکه بدانی خداوند متعال این را به رسم امانت در اختیار تو گذاشته و زمینه خدمتی را برای تو فراهم کرده است. تو توان مدیریتی و مهارت سازماندهی

و رکن اصلی در یک حاکمیت مطلوب و یک حکمرانی خوب و مشروع نزد خدای متعال مدنظر قرار می‌گیرد.

## ۲. بردباری در مقابل اشتباهات زیردستان

اصل دوم عبارت است از بردباری. کسانی که تحت مدیریت یک مدیر عالی هستند، حق دارند که او درباره آنها سعه صدر داشته باشد. در کار و برنامه‌های آنها، کاستی، غفلت و گاهی جهل است. مدیر و حکمران شایسته، نباید با دیدن این موارد، خشمگین شود.

## ۳. گذشت از خطاهای آنان

سومین حق اینکه روحیه گذشت داشته باشد؛ مخصوصاً در جاهایی که این کم و کاستی‌ها به حق خود حاکم برمی‌گردد.

مدیر حقوقی بر عهده زیردستانش دارد؛ مبنی بر اینکه

دیگران، مجموعه‌ای را تحت مدیریت قرار دادن و پیش بردن، قوّت و مهارتی است که در اختیار تو قرار گرفته است. یعنی یاد تو باشد که این عنایت و لطف الهی است که به صورت امانت از سوی پروردگار متعال در اختیار تو قرار گرفته است. با این مقدمه امام (علیه الصلاة و السلام) نکته‌های بسیار مهمی را یادآوری می‌کند.

## ۱. رعایت عدالت

نخستین حق زیردستان رعایت عدالت است. اصل و اساس و ریشه هر نوع مدیریتی که زیرمجموعه‌های انسانی در اختیار دارد، رعایت عدالت است که در اصل عدالت استحقاق، ظرفیت‌ها و تفاوت‌های آنها در برنامه‌ریزی‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. حقوق عمومی تا حقوق خصوصی، حریم‌ها، همه اینها در عرصه عدالت می‌آید و به عنوان اصل اساسی

است از یک رابطه سرشار از عاطفه و محبت که در آن رحمت، مهربانی و شفقت موج می‌زند. قلب حاکم در فرهنگ اسلامی و علوی و فاطمی، باید آن‌قدر شفاف باشد که آینه رحمت خدا شود. رابطه هم رابطه ولایت است؛ یعنی باید بتواند این مهر را از کانون و خزانه اصلی خود دریافت کند و قلب خود را از آن سرشار سازد، سپس آن مهر را در محیط مدیریت خود جاری کند. این شیوه مدیریتی، از مدیریت‌های سطح پایین و کوچک شروع می‌شود و تا امام و پیشوا پیش می‌رود؛ که فرد اعلی در مهرورزی نسبت به مردمان تحت مدیریت و حاکمیت خود محسوب می‌شود.

#### ۵. داشتن احساس شکر

حق پایانی عبارت است از اینکه خداوند تبارک و تعالی را شاکر باشد، به خاطر اینکه

از او اطاعت کنند و تحت برنامه او فعالیت کنند. اگر جایی از سر غفلت و جهل مشکلاتی دارند و کم و کاستی‌هایی در کار آنها پیدا می‌شود؛ مخصوصاً آنجایی که حق مستقیم خود آن مدیر است، مدیر باید بتواند ببخشد و گذشت داشته باشد. اگر مدیر اهل عفو و گذشت نباشد، خیلی زود رابطه او با افراد تحت مدیریتش دچار اشکالات اساسی می‌شود؛ زیرا از آنها ناراحت می‌شود و دیگر نمی‌تواند با عدالت رفتار کند. علاوه بر این، ده‌ها عوارض دیگر هم دارد.

#### ۴. داشتن رابطه عاطفی با

##### زیردستان

چهارمین حق، داشتن رابطه‌ای بر اساس رحمت و عاطفه است؛ یعنی به منزله یک پدر با آنها رفتار کند.

رابطه حاکم و پیشوا و مدیر، در منطق اسلامی و در نگاه امام (علیه الصلاة والسلام) عبارت

و متفاوت کرد. کاملاً فکری، تدبیری، عاطفی، محبتی، ولایی و توحیدی است؛ مخصوصاً در جمله‌ای که حضرت فرمودند: شکرگزار نعمت بزرگ خدمت به بندگان خدا باشد که خدای متعال به او کرامت کرده است؛ چراکه می‌تواند آنها را در مسیر رشد و کمال و سعادت مادی و معنوی پیش ببرد.

### وظیفه سنگین مسئولان در نظام اسلامی

نظام اسلامی، بعد از قرن‌ها، آرزوی آرزومندان، خوبان، ابرار، نیکان، شهدا، صلحا و عرفا را برآورده کرده است. تاریخ را نگاه کنید؛ آرزو داشتند که چنین اتفاقی بیفتد. تحقق آرزوی اولیای خدا، محصول تلاش‌ها و فداکاری حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای جامعه ما است. محصول تلاش‌ها و دعاها و رنج‌های مادر (صلوات الله و سلامه علیها) آن یگانه هستی و بانوی بی‌ظیر و

فرصت چنین خدمتی را به او کرامت کرده است. این احساس شکر انگیزه خدمت را در حاکم، پیشوا و مدیر دائم زنده نگه می‌دارد و آن را تقویت می‌کند؛ یعنی او دائم احساس می‌کند که به خاطر لحظه‌لحظه‌ای که فرصت پیشوایی و مدیریت و ارائه خدمت را پیدا کرده است، باید نماز شکر بخواند و سجده شکر به جا بیاورد. در مورد حقوق مردم بر پیشوا، حضرت پنج حق را برشمردند که باید رعایت شود. اول اینکه عدالت داشته باشد؛ دوم روحیه گذشت داشته باشد؛ سوم شرح صدر است؛ چهارم رحمت و عاطفه است و پنجم روحیه شکرگزاری نعمتی که خدا به پیشوا داده است. خروجی این شکر می‌شود انگیزه دائمی برای خدمت و زنده شدن این انگیزه. حق مردم بر حاکم فضای حقوق متقابل را زیبا، شیرین



بزرگ، این نظام اسلامی شده است. و دقیق‌تر می‌شود ملاحظه کرد، دائماً بردباری، گذشت و عفوشان بیشتر می‌شود. حقیقتاً چشمه فیاضی از مهر و محبت نسبت به جامعه است. بازتاب آن را هم می‌بینید، واکنش آن این است که در جامعه ما، مردم در اعماق دل خود نسبت به رهبر عظیم‌الشان احساس محبت دارند. این نتیجه آن مهر سرشار و نگاه پدران سرشار از عواطف خالص نسبت به مردم است که مصداق و نمونه‌های فراوانی دارد.

یا امام عظیم‌الشان که اصلاً چه می‌شود گفت در مورد آن روح الهی و در مورد آن حقیقت بزرگ زمان ما؟!!

حالا توقع چیست؟ توقع این است که آحاد مدیران در جامعه ما که در سلسله مراتب مدیریتی چیده می‌شوند، چه در مدیریت‌های سرزمینی، چه در مدیریت‌های سازمانی، در دستگاه‌های مختلف و

بزرگ، این نظام اسلامی شده است.

بحمدالله و به فضل الهی و به مدد پروردگار متعال، ما چه در دوران مدیریت عالی امام راحل عظیم‌الشان، چه در دوران مدیریت عالی رهبر عزیز انقلاب، تمام ویژگی‌هایی که آرزو داشتیم در پیشوای جامعه ما وجود داشته باشد، همه را در این دو رهبر بزرگ ملاحظه می‌کنیم. انسان به مدیریت امام (رضوان الله تعالی علیه) و رهبر عزیز و عالی‌قدر که نگاه می‌کند، می‌بیند این ویژگی‌ها در این سبک مدیریتی جاری است. مردم ما در پرتو این مدیریت به شوکت، احساس عزت، صلابت، آزادی و رهایی رسیدند.

رهبر نظام ما شخصیتی است که دائم دانش او متناسب با نیازهای اجتماعی ما به‌روز می‌شود، دائم نورانیت او افزایش پیدا می‌کند، دائم مراقبت‌های او بیشتر می‌شود،

کنند، هم مسئولیت است که بسیار مشکل و دشوار است و هم فرصت خدمت که پاسخگویی آن بسیار سخت و دشوار است. در چنین نظامی که باید دائم کام مردم ما به مدیریت‌های درجه یک با مؤلفه‌های خدمت، عشق، عاطفه، پاک‌دستی، رشد، احساس عزت و عدالت شیرین شود، مشاهده ناعدالتی - هر چند کم باشد - قابل تحمل نیست. اصلاً چنین نظامی این را بر نمی‌تابد که مسئولانش بیشتر به دنبال منافع شخصی باشند و عدالت را رعایت نکنند. در جایگاه مدیریتی باشند، اما عاطفه، محبت، بردباری و سعه صدر نداشته باشند یا کم داشته باشند. حقوق مردم بر مدیران، کارگزاران، مسئولان و پیشوایان، چنین حقی است و ما آرزو می‌کنیم *إن شاء الله* خداوند تبارک و تعالی به مدیران جامعه ما توفیق دهد بتوانند

قوای گوناگون، جلوه‌های این مدیریت باشند و همین نکته‌هایی را که از امام سجاد (علیه السلام) گفتیم، انجام دهند. تفصیل مطلب را هم اگر خواستند بدانند، کافی است به نامه پنجاه و سوم نهج البلاغه امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) مراجعه کنند؛ یعنی نامه‌ای که حضرت به مالک اشتر نوشتند. امام (علیه السلام) آنجا با کلیدواژه‌های فوق‌العاده مهم و حساس، به تفصیل حقوق مردم را بر مدیر تعریف و تشریح می‌کنند. انسان دلگیر می‌شود از اینکه بیند در چنین نظام الهی که مبتنی بر اندیشه‌های نورانی و قانون اساسی حقیقتاً ممتاز در کشورهای جهان است، کسانی به مناصبی رسیدند، حالا چه نصب شدند و چه انتخاب، به وظایف خود عمل نکنند. مناصبی که از طرف مردم به امانت در اختیار گروهی قرار می‌گیرد تا جامعه را مدیریت

زیبا است: «مَقَامَ الْخَازِنِ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ لِمَوْلَاهُ فِي عَيْبِهِ». حضرت خطاب به معلم می‌فرمایند: جناب استاد، جناب معلم، جنابعالی خزانۀ دار هستی؛ یعنی لطف خدای متعال شامل شما شده و ذهن شما خزانۀ دانش شده است؛ دانشی که او به تو کرامت کرده و در اختیار تو گذاشته و به تو این شرف را داده است که از آن نصیب داشته باشی. با این فرض، اولاً حالت شما در برابر این نعمت باید حالت شکر باشد. بعد به یاد داشته باشی که تو امین هستی و کسانی که در برابر تو قرار گرفتند، به گردن تو حق دارند که آنچه را که نیاز آنها است، از این خزانۀ حکمت و دانش تو به اندازه، سنجیده و با زیبایی و هنرمندانه در اختیار آنها قرار گیرد.

معلم باید اینجا از حُسن استفاده کند؛ یعنی به اندازه و متناسب با نیاز کسانی که

از عهده رعایت این حقوق برآیند. این حقوق وقتی در میدان اجرا می‌آید، آن قدر دامنه آن وسیع، متنوع، سرنوشت‌ساز و حساس می‌شود که عزیزانی که مسئولیت دارند، باید دائم حالت شکر را در خود غلبه دهند و در مقام تضرع و ابتهال به ساحت قدس حضرت حق باشند.

### حق شاگرد بر معلم

در محور حق شاگردان، حضرت باز از اینجا شروع کردند که: «فَأَنْ تَعْلَمَ؛ باید به یاد معلم باشد» که خدای متعال این دانش را لطفی در حق تو قرار داده است؛ چون ذهن برای خدا است، ادوات تعلیمی و همه آنها متعلق به حضرت حق است، چشم و گوش و زبان و حافظه و قدرت ترکیب و فهم، همه آنها متعلق به حضرت حق است. جمله حضرت در اینجا خیلی

در اختیار آنها بگذارد و مسیر انتقال مملو از خیرخواهی، دلسوزی و صبوری باشد.

شاگردان بازیگوشی‌های خاص خود را دارند؛ کودک باشند به گونه‌ای است، نوجوان باشند به گونه‌ای است، جوان‌تر باشند و دانشگاهی، به گونه دیگری است. در هر سنی مسائل خاص خود را دارند. بنابراین باید حالت صبوری در معلم وجود داشته باشد تا بتواند امانت دانش را به شایستگی منتقل کند و در اختیار شاگردان خود قرار دهد.

پس معلم باید همواره علم، زبان، ادبیات و محبت خود را به‌روز کند و وقتی وارد کلاس می‌شود، بچه‌ها دائم از مهر، معنویت و دانش او نصیب‌وفای داشته باشند.

یک جمله هم به عنوان پایان‌بخش بحث عرض کنم. در چند حق اخیر که بررسی کردیم، حقوق جنبه اجتماعی پیدا کرد و یک جنبه حق‌الناسی

مخاطب هستند، از خزانه لطف الهی که دانش و علوم است، برداشت کند. بعد هنرمندانه قالب‌گیری کند و آن را در اختیار شاگردانش قرار دهد.

### ۱. معلم باید دلسوز دانش‌آموز باشد

معلم در مسیر انتقال دانش باید از چند ویژگی بهره‌مند باشد. اولین ویژگی او این است که باید شفیق باشد و نسبت به شاگردها دلسوزی داشته باشد. شفقت را معمولاً نسبت به مادر می‌گوییم، مادر چه احساسی درباره فرزند دارد؟ با مهربانی فوق‌العاده‌ای سعی می‌کند حظ مطلوب به فرزند عزیزش برسد. مثل همین احساس خاص باید در معلم باشد.

بنابراین معلم باید خیرخواه شاگردهای خود باشد و در این مسیر صبوری کند. حق شاگرد این است که معلم درباره آنها اندازه‌سنجی کند و نیازشان را

و نعمت خدا نزد تو است. یعنی آقایان بدانند که این خانم، این ریحان، این گل، این دسته گل، نعمتی است از سوی خدای متعال که در کنار آنها است: «وَيَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ وَوَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ». کاش می‌شد این جمله را ترجمه کرد! خیلی مهم است.

آقایان بدانند که بر آنها واجب است که زیباترین روش مصاحبت با نعمت خدا را داشته باشند. سپس حضرت تشریح می‌کنند که: «يُكْرَمَهَا» باید او را تکریم کند، «يُرْفَقَ بِهَا» درباره او رفق و مدارا و محبت داشته باشد.

بلافاصله می‌گویند: البته حقی که تو بر عهده همسر خود داری، بزرگ‌تر است؛ منتها ارتباط تو با او باید دارای چنین ویژگی باشد.

این اشاره به آن بحث مدیریت است که در خانواده، خداوند تبارک و تعالی بر اساس

هم در آن است. وقتی مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که شگفتا! چه چیزهایی جزء حق‌الناس یا حقوق متقابل است که از آنها غافل هستیم. این رساله این ویژگی را دارد که می‌تواند یک منظر بسیار متنوعی از حقوق را پیش چشم خواننده عزیز قرار دهد.

### نکته‌ای درباره حق همسر

اما نکته پایانی؛ امام (علیه السلام) راجع به حق همسر، اشاره می‌کنند که از ناحیه این ارتباط انس، رحمت، آرامش و لذت فراهم می‌شود؛ چیزهایی که معمولاً در ارتباط با همسر بیان می‌شود. منتها نکته جالب این است که فرمودند: به یاد داشته باش - مخصوصاً حضرت اینجا به آقایان می‌گوید - که بانوانشان چه حقی بر آنها دارد.

جالب است که امام اینجا اصلاً وارد حق شوهر نشدند و فرمودند: بدان که این امانت

حکمت، مدیریت را بر عهدہ  
مرد قرار داده است. به ازای  
این مدیریت، به این جمله  
امام (علیه السلام) توجه شود کہ  
بسیاری از مشکلات ما، ناشی از  
غفلت از این نگاه است. پس  
«يُحْسِنُ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ»،  
بهترین روش مصاحبت با این  
نعمت خدا را در پیش بگیر.  
روی عبارت «نِعْمَةُ اللَّهِ» دقت  
کنید.

بنابراین مصاحبت با خانم خانہ  
باید بر اساس تکریم، بزرگ و  
محترم شمردن، و رفق و مدارا  
باشد؛ زیرا زندگی حاشیه‌ها و  
تلاطم‌هایی دارد کہ به مدارا  
نیاز دارد.

رساله حقوق امام سجاد (علیه  
الصلاة و السلام) مملو از زیبایی‌ها  
و ظرافت‌هایی است کہ باید  
آنها را در زندگی خود لحاظ  
کنیم.





افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت  
OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

## اشنبه‌ها ساعت ۱۸

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

